

به ادامه گذشته

12 سپتامبر 2012

فقیر محمد ودان

برخی مسایل پیرامون وظایف مبرم کنونی ما

قسمت دهم

حقیقت وضعیت کنونی کشور ما ، مبتنی بر ادامه جنگ و استیلای فرهنگ مربوط آن بر مجموع روند های به بنبست کشیده شده اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی ، بر ساختار های ممتل این روند ها و در نتیجه اثرات ناگوار این فرهنگ بر روح و روان انسان جامعه ما ، حکم مینماید که هم اکنون نیز اندیشه سیاسی مصالحه ملی بمثابه افزار اندیشه یی - سیاسی گذار از فرهنگ جنگ به فرهنگ صلح ، یگانه افزاریست برای برون رفت کشور از بحران کنونی و سوق آن بسوی صلح ، ترقی و تمدن .

بنابراین اندیشه سیاسی مصالحه ملی دستگاہ افغانی تفکر سیاسی خردورز معطوف به وضع کنونی است که بمثابه افزار اندیشه یی ، جهت رفع بحران موجود و ریشه کن ساختن علل و عوامل داخلی و خارجی آن ، همچنان سوق جامعه بسوی ثبات و ترقی در مرحله کنونی مبارزه محسوب میگردد. یا به افاده کلی میتوان گفت که اندیشه سیاسی مصالحه ملی ، دستگاہ تفکر سیاسی افغانی گذار از فرهنگ جنگ به فرهنگ صلح است .

پروسه گذار از فرهنگ جنگ به فرهنگ صلح ، پروسه بلند مدت است . برای آغاز این پروسه قبل از همه لازم است از نظام فرهنگی افغانی ، عناصر متشکله مادی و معنوی این نظام ، چگونگی اثرات این عناصر بر همدیگر و در عین حال اثرات آنان بر ذهن و روان افراد جامعه و در مجموع بر روان اجتماعی ، درک دقیقی حاصل گردد تا بر مبنای چنین درکی ، آن بخش ها و عناصری از فرهنگ مادی و معنوی جامعه تشخیص گردند که توانسته اند و میتوانند بمثابه افزار محرک جنگ و صلح مورد استفاده قرار گرفته و قرار می گیرند . پرواضح است که عناصر و بخش های دوگانه فرهنگی مذکور (علل تحریک جنگ و صلح و افزار مورد استفاده هر یک) در معیارهای ارزشی فرهنگ افغانی (دین و مذهب ، زبان و ادبیات ، علم و هنر ، اقتصاد و معیشت ، مراحل و رویداد های تاریخی و مختصات جغرافیایی) وجود دارند . همانطوریکه اندیشه ها و نیروهای سیاسی محرک جنگ ، تلاش مینمایند که با شناخت برخی از عناصر و بخش های از فرهنگ مادی و معنوی مساعد ، آن ها را در خدمت اهداف شان قرار داده و با استفاده از آنان ماشین جنگی مورد نظر شان را پوشش های فرینده فرهنگی بخشیده ؛ آن را تمویل و به حرکت درآورند ؛ اندیشه سیاسی مصالحه ملی و نیروهای سیاسی معتقد به این اندیشه نیز تلاش مینمایند تا با شناخت عناصر و بخش های مساعد از فرهنگ مادی و معنوی و معیارهای افغانی ارزشی آن ، نه تنها آنها را در جهت تضعیف گرایشات جنگی و ارتجاعی و تقویت پروسه صلح و ترقی بکار گیرد بلکه پوشش

های فریبنده فرهنگی اندیشه ها و نیروهای سیاسی متمایل به جنگ را نیز عقب زده ، نیات واقعی آنان را برملا سازد .

با در نظر داشت توضیحات فوق است که اهداف و وظایف دورنمایی حزب وطن در عرصه فرهنگی فرمولبندی و در متن مسوده مرانامه آن منعکس گردیده اند . با چنین دیدی ، در مقدمه عرصه فرهنگی مسوده مرانامه حزب وطن چنین آمده است :

«گنجینه های فرهنگ باستانی ما انعکاس دهنده وطن دوستی ، صلح پسندی ، آزادیخواهی ، انسان دوستی و اسلامی مردم ماست . ارزشهای فرهنگی مذکور ، نیروی عظیم تحریک اجتماعی در جامعه افغانی محسوب میشوند . شخصیت يك فرد افغان در بستر این ارزشها و در نتیجه بهم آمیختن آن با سایر ارزشهای زیستی ، نضج می یابد . حزب وطن معتقد است که گسست از این ارزشها ، بحران از خود بیگانگی فردی و گروهی را باعث میگردد . بنابراین ما سیاست فرهنگی خویش را بر بنیاد این ارزشها و به ترتیبی تنظیم و تعمیل مینمائیم که امکانات لازم جهت غنای فرهنگ هر يك از اقوام باهم برادر افغان را - بمثابه گل های رنگارنگ و معطر باغستان فرهنگ ملی ما - در پروسه همگرایی ملی و در همسویی با ارزشهای فرهنگی جهان معاصر تدارک نماید .»

چنانچه بارها بر حقیقت وجود و حضور اقوام متعدد هموطن افغان تاکید گردیده که هر يك از آنان برخی مختصات فرهنگی خویش را دارا اند . حزب وطن نه تنها به این مختصات توجه و احترام دارد بلکه از تلاش هر يك از اقوام هموطن جهت رشد و غنای این مختصات فرهنگی شان نیز حمایت کامل بعمل آورده و آنرا حرکتی در استقامت رشد و غنای فرهنگ ملی مان تلقی مینماید .

حزب وطن بمثابه وارث نهضت آزادیخواهانه ، ضد استبدادی و ترقیخواهانه کشور و با توجه به تجارب اندوخته شده تاریخی آن ، به نقش عظیم انگیزنده دین مقدس اسلام و شخصیت های دینی و مومنان آزادی دوست و ترقیخواه درین نهضت ، توجه داشته ، بنابراین اعتقاد در بند اول عرصه فرهنگی مسوده مرانامه این حزب ؛ چنین تذکار یافته است :

«دین مقدس اسلام دین اکثریت قریب به تمام مردم افغانستان و در تشخص معنویت مسلط جامعه افغانی از ظرفیت عظیم انگیزنده برخوردار است . حزب با چنین درکی سیاست های فرهنگی خود را در پرتو ارزشهای دین مقدس اسلام : عبادات ، طهارت و پاکی معنوی و جسمی ، تقوا و پرهیزگاری ، راستی و درستی ، خیر و خیرات ، صدقه و ذکات ، تعاون و دستگیری ، صلح و آشتی ، برادری و برابری ، صلّه رحم و شفقت ، همکاری و دوستی ، احترام به زنان ، حفظ پاکیزگی مادی و معنوی محیط خانوادگی ، محیط زیست و محیط کار ، فرض دانستن آموزش برای مردان و زنان ، احترام به بزرگان و شفقت بر خوردان ، مروت با دوستان و مدارا با دشمنان ، روابط نیک با همسایگان ، همزیستی و روابط نیک با پیروان سایر ادیان و احترام به عقاید و باور های آنان ، تنظیم مینماید .»

در عین حال ما با سوء استفاده از دین جهت فریب و اغوای دینداران و بکاربرد آن بمثابه وسیله دستیابی به اهداف سیاسی ، بطور قطع مخالف استیم .»

طرح مخالفت حزب وطن «با سوء استفاده از دین جهت فریب و اغوای دینداران و بکاربرد آن بمثابه وسیله دستیابی به اهداف سیاسی» در پراگراف فوق ، طرح اصولی و بمنظور افاده جایگاه بلند و فراایدولوژیک دین مقدس اسلام در اعتقادات مردم افغانستان است . زیرا تجارب کشور های اسلامی منجمله تجارب کشور ما نشان داده اند که نیروهای راست افراطی با توجه به اهداف ارتجاعی خویش تلاش نموده و مینمایند با تعبیر و تفاسیر قرون وسطایی و خرافی از دین مقدس اسلام و

آمیزه های آن ، مردم پاک طینت و مسلمانان خوشدل کشور را اغوا نموده از آنان جهت دستیابی به اهداف ارتجاعی و منافع شخصی خویش استفاده افزاری بعمل آورند . بنابراین ، درحالیکه حزب وطن طرفدار تعمیل سیاست هایی است که به ارزشهای اصیل اسلامی عطف توجه نماید ؛ ولی با استفاده افزاری از اسلام جهت بدست آوردن اهداف سیاسی کاملاً مخالف است . زیرا استفاده افزاری از دین - منجمله دین مقدس اسلام - آن را ماهیت سیاسی - ایدئولوژیک بخشیده ، خصالت فرایدولوژیک آن را زیر سوال برده ، خواهی نخواهی - مانند تمام ایدئولوژی های سیاسی - در میان مومنین انقطاب و صف بندی سیاسی را باعث میگردد . چنین برخوردی نمیتواند به نفع دین مقدس اسلام باشد .

تجارب تاریخی بعد از رحلت پیامبر بزرگوار اسلام ، انقطاب های متعدد اندیشوی و صفبندی های متقابل و حتی متضاد میان مسلمانان ، ناشی از نقض اصل فرایدولوژیک بودن دین و درین مورد ، نقض فرایدولوژیک بودن دین مقدس اسلام است . نمونه های «هفتگانه» و «هشت گانه» ، «تنظیم های اسلامی» افغانستان و برخورد های خصمانه شان در برابر همدیگر ، هم به مردم مسلمان افغانستان و هم به دین مقدس اسلام ، نتایج زیانباری را در قبال داشته است . نظام های سیاسی نامنهاد دینی - از جمله نظام های سیاسی نامهاد «اسلامی» مانند «جمهوری اسلامی افغانستان»، «جمهوری اسلامی پاکستان» ، «جمهوری اسلامی ایران» و ... در بهترین حالت آن (اگر لحظه تصور شود که چنین حالتی وجود دارد) مخالفت های گسترده مردم مسلمان این کشور ها را علیه خویش برانگیخته و برخواهد انگیخت . دیده می شود درین کشور ها دولتمدار ها خواسته اند و میخواهند همه ضعف ها و زشتی های شان را تحت مفهوم مقدس «اسلامی» بپوشانند . چنین برخوردی به هیچوجه به نفع دین مقدس اسلام نبوده و بوده نمیتواند . افزون بر آن مسجد می باید محل عبادات و تبلیغ و ترویج محسنات اخلاقی افراد جامعه باشد نه محل سیاست ، اصل غیرسیاسی بودن مسجد ، مسجد را به مرکز وفاق عبادی و اخلاقی مسلمانان - و نه مرکز نفاق سیاسی میان آنان - مبدل می سازد . همچنان غیر سیاسی بودن علمای دینی ، جایگاه شایسته اجتماعی آنان را به مثابه شخصیت های مبلغ و مروج عبادات و اخلاقیات ، مشخص ساخته ، معنویت و محبوبیت می بخشد و آنان را از شخصیت های سیاسی - که همیشه و هم زمان ، هم طرفداری ها را در حمایت و هم مخالفت ها را بر ضد مواضع سیاسی خویش برمیانگیرند - تفکیک مینماید .

به ملحوظ فوق اندیشه سیاسی مصالحه ملی همچنانکه با بی توجه بودن سیاست نسبت به دین و یا ضد دینی ساختن سیاست مخالف است ، با سیاسی ساختن دین و استفاده افزاری از دین بخاطر بدست آوردن اهداف سیاسی ، نیز مخالفت جدی دارد .

اعمار مجدد عرصه های مختلف حیات اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی کشور جنگ زده ما ، قبل از همه به کادر های مسلکی و تحصیل یافته ملی ضرورت دارد . این مأمول بدون یک نظام کارا و مؤثر تحصیلی ، تعلیمی و تربیوی ممکن و میسر بوده نمیتواند . با توجه به همین مهم ، در بند دوم عرصه فرهنگی مسوده مرامنامه حزب وطن ؛ چنین تسجیل گردیده است :

« حزب وطن با درك از اهمیت بزرگ کادر متخصص، مسلکی و کار فهم، در گام نخست از بازسازی مجدد و سریع موسسات تعلیمی ، تحصیلی و تحقیقات علمی مطابق به مقتضیات زمان طرفداری نموده و درین زمینه خواهان ایجاد و گسترش سیستم تعلیم و تربیه عمومی ، مسلکی و تحصیلات عالی در هماهنگی با ضرورتهای سکتور های تولیدی (زراعتی ، مالداری ، صنعتی، ساختمانی، استخراج معادن و...) ، اداری ، تحقیقات علمی ، مالی ، هنری و... می باشد . ما برای اطفال و جوانان کشور خویش خواهان تعلیمات ابتدایی و متوسط حتمی رایگان ، تحصیلات عالی و مسلکی رایگان اما متکی بر علاقه و استعداد داوطلبان آن میباشیم . همچنان ما از تامین زمینه های بیشتر تحصیلی برای رشد هرچه بیشتر استعداد های علمی ، تخنیک ، ادبی و هنری

و از تدابیری که مبین ارجمندی به دست‌آورد های علمی (کشفیات، اختراعات و ایجادگریهای) آنان باشد حمایت مینمائیم و برای این منظور از تشکیل انجمن های علمی، ادبی و هنری بمثابة تبارز دهنده اراده جمعی و کانونهای رشد استعدادهای این طیف از روشنفکران؛ از تاسیس موسسات تعلیمی و تحصیلی داخل خدمت، شبانه و آزاد؛ همچنان از تدابیر تشویقی بمنظور تعمیم سواد آموزی در میان داوطلبان کلانسال، پشتیبانی مینمائیم.»

آثار باستانی تجسم مادی غنای فرهنگی کشور ما در بستر چندین هزارساله تاریخی آن و نمودار سطح عالی استعداد های مردم این سرزمین، درین تداوم تاریخی محسوب میگردد، که متأسفانه نه تنها بخش بزرگی از گنجینه های گرانبهای این آثار - مانند سایر عرصه های زندگی مادی و معنوی کشور ما - طی سالهای جنگ، بوسیله نیروهای افراطی فرهنگ ستیز تخریب و به یغما برده شده اند بلکه همین نیروها فضای هنری کشور را مختنق و هنرمندان کشور را با توهین و تحقیر مورد آزار و اذیت قرار داده و قرار میدهند. به همین ملحوظ در بند سوم و چهارم عرصه فرهنگی مسوده مرانامه حزب وطن درین زمینه چنین تذکار گردیده است:

«- حزب وطن معتقد است که جمع آوری مجدد آثار غارت شده موزیم ها، گالری ملی، آرشیف ملی، کتابخانه ها، گنجینه های هنر موسیقی، مرمت ابدات تاریخی از وظایف اهم دولت افغانستان و سایر نهاد های ملی است.»

- ما عقیده داریم که اندیشه های هنرستیزانه، زیانهای بزرگی بر گنجینه های هنری و بر روان حساس هنرمندان مستعد کشور ما وارد نموده اند. بدین ملحوظ ضرور می پنداریم که توجه حد اکثر به احیا، بازسازی و رشد هنرهای موسیقی، تیاتر، سینماتوگرافی، مجسمه سازی، نقاشی، رسامی، میناتور، شبکه کاری، حکاکی، خطاطی و غنای ادبیات همه زبان های رایج در کشور و فولکلور مردمی ما، صورت گیرد.»

سپورت و تربیت بدنی نه تنها زمینه های تندرستی و تبارز استعدادهای نسل جوان کشور را در عرصه ملی و جهانی مساعد می سازد بلکه سطح انضباط و مسوولیت پذیری این نسل را در قبال وظایف اجتماعی آنان ارتقا داده، آنان را به اعضای سالم و مفید جامعه مبدل مینمایند. بنابر چنین اهمیتی است که در زمینه در بند پنجم، عرصه فرهنگی مسوده مرانامه حزب وطن؛ چنین درج گردیده است:

«افغانستان گهواره پرورش قهرمانان و پهلوانان نامدار تاریخی است. جوانان افغان در گذشته و حال با امکانات محدود، مهارت های شایسته سپورتنی را تبارز داده اند که طی سالهای جنگ به این دست آوردها نیز مانند سایر عرصه های اقتصادی و اجتماعی، زیان های بزرگ وارد گردیده است. بمنظور جبران این خسارات، ایجاد مصروفیت های سالم برای نسل جوان کشور و شگوفایی استعداد های شان، ما از اتخاذ تدابیر همه جانبه به وسیله دولت و سکتور خصوصی برای ساختمان تاسیسات سپورتنی، تدارک البسه و وسایل سپورت، تربیت کادرها و سپورتمین های حرفوی، تشکیل کلب های سپورتنی، سازماندهی مسابقات محلی، منطقوی و ملی میان تیم ها و کلب های سپورتنی، شرکت سپورتمین های کشور در مسابقات خارجی و بین المللی و از دعوت سپورتمین های سایر کشورها به افغانستان، پشتیبانی مینمائیم.»

ما عقیده داریم که سپورت های محلی افغانان از ظرفیت های بزرگ برای رشد و انکشاف و همچنان از جاذبه لازم جهت معرفی به جهانیان و ترویج برخوردار بوده که می باید به آن توجه معطوف گردد.»

قسمت بعدی این سلسله ، به توضیح عرصه سیاست خارجی مندرج مسوده مرامنامه حزب وطن اختصاص خواهد داشت .

ادامه دارد